



عضویت فرید مدرسی در دفتر تحکیم
وحدت و توهین آقاجری به مراجع

در صفحه ۲ بخوانید



فرید مدرسی و
اکبر گنجی

در صفحه ۳ بخوانید

سال اول ، شماره دهم ، شهریور ۱۳۹۸

گاهنامه تحقیقی-تبیینی منا



درآمد

علی مهدوی (سردبیر)

چندی است منازعات درون حوزوی و قیل و قال‌های آن بصورت جهت‌دار و با حواشی بسیار در رسانه‌های کشور و حتی گاه‌ها بین المللی منعکس می‌شود. گویی دست‌هایی تعمداً مترصد فضای حوزه علمیه هستند تا با اندک بهانه‌ای هیاهوی رسانه‌ای ایجاد کنند. بررسی‌ها نشان از آن دارد که برای چنین عملیاتی بیش از یک دهه برنامه‌ریزی شده است و عناصری با پوشش خبرنگار، رابط رسانه‌ای و ... به بیوت مختلف نفوذ کرده‌اند تا اغراض خود را محقق سازند و جهت‌دهی‌های خود را به حوزه علمیه و بیوت مختلف تحمیل کنند.

یکی از افراد شاخص و البته کوچک در پازل این مأموریت، خبرنگاری دارای سوء سابقه و محکومیت به حبس است که گذشته سیاسی سیاهی را در کارنامه دارد. فرید مدرس ماهر معروف به فرید مدرسی چهره‌ای است که در این سال‌ها با برخی بیوت و نشست‌های حوزوی توانسته بعضی اهداف این مأموریت را پیش ببرد.

دهمین پرونده مناهج با عنوان «مأموریت یک خبرنگار در حوزه علمیه» سعی دارد ابعاد شخصیتی این خبرنگار از گذشته تاکنون و مأموریت وی را تشریح و تبیین کند.



مأموریت یک خبرنگار در حوزه علمیه

فرید مدرسی و عضویت در شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت

جمهوری ایران ۱۳۷۶ از سید محمد خاتمی حمایت کرد و نقش مهمی در پیروزی اصلاح‌طلبان ایران در انتخابات داشت. در سالهای ۷۶ تا ۷۸ دفتر تحکیم وحدت جایگاه محکم و تأثیرگذاری در عرصه سیاسی ایران پیدا کرد. در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی و دوره اول شوراها چند نماینده از اتحادیه انجمن‌های اسلامی (تحکیم وحدت) انتخاب شدند. این دفتر در وقایع ۱۸ تیر ۷۸ نقش فعال و پررنگی داشت.



ورود به دانشگاه بستر بسیار مناسبی را برای فعالیت‌های سیاسی فرید مدرسی مهیا کرد. وی در آن دوران توانست به عضویت دفتر تحکیم وحدت درآید و حضور مؤثرتری را در عرصه سیاسی ایفا کند.

اواسط مهر ۱۳۸۴ سعید حبیبی، محمد هاشمی، فرید مدرسی، علی نیکونستی و حنیف یزدانی به عنوان اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت انتخاب شدند.

شاید بتوان گفت: عضویت فرید مدرسی در دفتر تحکیم وحدت، سرآغاز ورود وی به رادیکالیسم سیاسی است...

بی‌راه نیست اگر گفته شود، این ایام، سیاه‌ترین دوره دفتر تحکیم وحدت است...

پ.ن:

اتحادیه انجمن‌های اسلامی (تحکیم وحدت) به عنوان نماینده جنبش دانشجویی در انتخابات ریاست

فرید مدرسی و آغاز فعالیت سیاسی



تولد مردی است که دوستش دارم و به او بسیار احترام می‌گذارم. محمد خاتمی برای من آغاز تجربه حیات اجتماعی است. اگر صدا را او در یک روز به دنیا آمده، اما تولد اجتماعی من با دوم خرداد ۱۳۷۶ گره خورده است. خاتمی ادب، وقار و بزرگی را نماینده است؛ چه سیاست‌ورزی‌اش را دوست داشته باشیم چه نداشته باشیم. امیدوارم سالروز تولد صد سالگی‌اش را تبریک بگویم.

این روزها و با بالاگرفتن ماجرای نزاع آیت‌الله یزدی و آیت‌الله آملی لاریجانی، نام فرید مدرسی (فرید مدرس ماهر) نیز بر سر زبان‌ها افتاده است. اما فرید مدرسی کیست و چرا عده‌ای نسبت به فعالیت وی در حوزه علمیه هشدار می‌دهند؟!

فرید مدرسی، روزنامه نگار اصلاح‌طلب روزنامه‌های شرق، اعتماد، هم‌میهن، اعتماد ملی و هفته‌نامه شهروند امروز است. مدرسی اصالتاً تبریزی است و پدر بزرگ پدری و مادری‌اش هر دو روحانی بوده‌اند. او حیات سیاسی خود را از همان دوران دبیرستان آغاز کرد. آن‌گونه که محسن بیات زنجان می‌گوید، او به همراه فرید مدرسی در آن ایام و در بحبوحه دوم خرداد ۱۳۷۶ به دنبال تشکیل ستاد دانش‌آموزی سید محمد خاتمی بوده‌اند.

علاقه فرید مدرسی به دوم خرداد و سید محمد خاتمی، به حدی است که وی، در یادداشتی که به مناسبت تولد فرزندش، صدرا نگاشته است، می‌گوید: «۲۱ مهر نه تنها سالروز تولد صدراست بلکه سالروز

در صفحه
۴
بخوانید

مأموریت فرید مدرسی در
حوزه علمیه

در صفحه
۳
بخوانید

نقاب بر چهره

در صفحه
۲
بخوانید

محکومیت آقاجری و دستگیری
فرید مدرسی



شهریور ۱۳۹۸

شماره دهم

گزارش

محکومیت آقاجری و دستگیری فرید مدرسی

محکومیت آقاجری

دادگاه بدوی، آقاجری را به اتهام ارتداد به اعدام محکوم کرد. صدور این حکم سبب شد که دفتر تحکیم وحدت به اعتراض برخاسته و تجمعی اعتراض‌آمیز علیه حکم دادگاه برگزار نمایند. این اقدامات دفتر تحکیم آن‌گونه که مدرسی خود می‌گوید، موجب ناراحتی بعضی از علمای قم نیز شد. فرید مدرسی در ویلاگ خود نوشته است:

«مشکینی در آن روزها که دانشگاه‌ها به حکم اعدام هاشم آقاجری اعتراض می‌کردند، نیز عنان مخالفت در دست گرفت و گفت: "چه شده سر این حکم این همه جنجال می‌کنند و کار به دانشگاه کشیده شده و عده‌ای معذور، دانشجو یا مسما به دانشجو ضمن اعتراض به حکم به سران نظام اهانت می‌کنند؟" او سپس خطاب به دانشجویان معترض به حکم آقاجری گفت: "همه می‌دانند شما به ساز آمریکا می‌رقصید. پول دلار شما را مست کرده است".

فرید مدرسی همچنین در جای دیگری درباره حکم ممنوع‌الخروجی آقاجری گفته بود: «حق هر شهروند ایرانی است که بنا بر قانون فعلی از کشور خارج شود. برخوردها باید در قالب چارچوب و قانون جمهوری اسلامی باشد. در گذشته نیز آقای رحمانی، سحرخیز، ملکی و اخیراً آقای آقاجری با این مساله روبرو بودند و امیدواریم که این مسائل تکرار نشود.»

دستگیری و محکومیت فرید مدرسی

برگزاری این تجمع غیرقانونی در نهایت موجب دستگیری و محکومیت مدرسی و برخی از دوستانش گردید. این امر موجب اعتراض برخی رسانه‌های مخالف نظام هم شد.

وی داستان روز اول بازداشت

خود را چنین نقل می‌کند:

در سال ۱۳۸۱ که در گیر و دار اعتراض‌های دانشجویی برای هاشم آقاجری دستگیر شدم، شب اول که در بازداشتگاه بودم و هنوز ما را به اوین نبرده بودند، من آقای رحمانی، سحرخیز، ملکی و اخیراً آقای آقاجری با این مساله روبرو بودند و امیدواریم که این مسائل تکرار نشود.»

به گوشم رسید و من از او خواستم که آهنگ موبایلش را عوض کند. او هم به من گفت می‌خواهی برایت آهنگ سلطان قلب‌ها بگذارم. من هم در همان حال و هوای جوانی گفتم نه، یک سرود انقلابی را بگذار.

سرانجام شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب قم، فرید مدرسی را با اتهام توهین به مقامات و تبلیغ علیه نظام به ۶ ماه حبس تعلیقی و ۶ ماه حبس تعزیری محکوم کرد. شعبه‌ی هفتم دادگاه تجدیدنظر قم نیز همین حکم را تایید کرد. ▶



عضویت فرید مدرسی در دفتر تحکیم وحدت و توهین آقاجری به مراجع

می‌خواستم از نهج البلاغه سخن بگویم... اما به اقتضای حال و موقعیت منصرف شدم... تصمیم گرفتم حکومت دینی را از منظری دیگر مورد توجه قرار دهم. به یاد آوردم این جمله معروف مارکس را که گفته است "دین افیون توده هاست." سخنی که مارکس در باب دین گفته است هر چند که تمام حقیقت نیست اما بخشی از حقیقت را در خود دارد... دین در حکومت‌های دینی نه تنها افیون توده هاست، آن چنان که مارکس گفته است؛ بلکه من می‌افزایم علاوه بر آن افیون حکومت‌ها هم هست.»

این قبیل اظهارات آقاجری، حمایت‌های صریح ضد انقلاب را برانگیخت و حتی سلمان رشدی نیز در حمایت از او به میدان آمد و اظهار داشت: «وقتی اکثریت میانه‌رو در برابر این‌گونه افراد اقدامی نمی‌کنند، رشدی‌هایی پیدا می‌شوند که مأموریت انجام بدهند.»

توهین‌های آقاجری منجر به جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی عموم متدینین و مومنین شد. لذا موجی از خشم را در میان عموم متدینین و روحانیت برانگیخت. علما و مراجع نیز واکنش شدیدی علیه وی از خود نشان دادند. ▶

آقاجری -که پیش‌تر از اعضای انجمن حجینه بوده است- در بخشی از سخنان خود تحت عنوان «شریعتی و پروتستان‌تیسیم اسلامی» در خانه‌ی معلم شهرستان همدان، با اهانت به مراجع و مقلدان ایشان می‌گوید: «شریعتی می‌گفت: رابطه مردم، معلم و متعلم است نه رابطه مرید و مراد» سپس اضافه می‌کند: «نه رابطه مقلد و مقلد که تقلید بکنند؛ مگر مردم میمون هستند که تقلید بکنند؟!... رابطه نهاد سنتی با عوام، رابطه مرید و مراد است، یعنی اینکه مراد همیشه مراد باشد و مرید همیشه مرید و این حلقه بر گردش.» او در بخشی از سخنانش حتی سعی دارد قداست امام معصوم علیه‌السلام را بالحنی بی‌ادبانه زیر سوال ببرد و می‌گوید: «این طبقه [روحانیت] ابتدا امامان معصوم را لاهوت می‌کرد تا خودش هم به عنوان نابینایان آن معصوم لاهوتی بشود...»

آقاجری قبل از این سخنرانی نیز در مراسمی که به منظور تجلیل از کدیور در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شده بود به تاسی از مارکس و در راستای سکولاریزه کردن نظام و جدا کردن حوزه دین و سیاست، دین را افیون توده‌ها و حکومت‌ها خوانده بود. او در آنجا گفت: «من امروز

دوران دانشجویی مدرسی و عضویتش در شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، مصادف با اظهارات موهن هاشم آقاجری علیه مرجعیت شیعه شد. اما برای اثبات اینکه چرا گفته شد «دوران عضویت فرید مدرسی در دفتر تحکیم وحدت، سیاه‌ترین دوران این تشکل دانشجویی است» ابتدا باید اقدامات موهن آقاجری و سپس حمایت دفتر تحکیم وحدت از وی تبیین شود:



موضع‌گیری راسخ مراجع معظم تقلید علیه سخنان موهن آقاجری

آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی از مراجع تقلید هم در این خصوص فرمودند: «اول باید دید که این حرف‌ها از کجا نشأت گرفته و در مرحله‌ی بعد منتظر اقدام قوه‌ی قضاییه باشیم که چه تصمیمی خواهند گرفت، باید صبر کنیم تا تنشی در جامعه به وجود نیاید. اهانت به یک نفر جرم است اما آیا اهانت به همه‌ی مردم و آنان که فرزندان خود را تقدیم انقلاب کردند جرم نیست؟ در هر کشوری اگر به مقدسات آن اهانت شود جرم محسوب می‌شود، قانون کشور ما در برابر این جرایم چه تصمیمی می‌گیرد، اگر آن روز که این شخصیت اظهار داشت "دین افیون ملت‌هاست" با وی برخورد می‌شد امروز جرأت بیان این حرف‌ها را پیدا نمی‌کرد.»

پس از این موضع‌گیری صریح و قاطع روحانیون و مراجع، عده‌ای از متدینین همدان و رئیس دادگستری استان به عنوان مدعی‌العموم با شکایت از هاشم آقاجری پرونده قضایی برای او تشکیل می‌دهند. پس از چندین نوبت احضار به دادگاه و عدم حضور وی در دادگاه، حکم دستگیری وی صادر می‌شود.

اما با این همه، موضع دفتر تحکیم وحدت و فرید مدرسی، مغایر با خواست مراجع تقلید بود. ▶

تخصص‌ها که هزاران رشته‌ی تخصصی وجود دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند در بیش از دو یا سه رشته صاحب‌نظر باشد و در بقیه‌ی رشته‌ها پیرو مقلد آگاهان و متخصصان آن رشته است، راستی حیرت‌انگیز و شرم‌آور است. گرچه ما به تداوم این‌گونه حرکت‌ها گله‌مند و معترضیم و نسبت به اهداف آن احساس خطر داریم، لکن نمی‌گذاریم دشمنان در این توطئه‌ی خود کامیاب شوند و درگیری داخلی ایجاد نمایند. ما منتظر نتیجه‌ی عمل مسوولین ذی‌ربط و به‌ویژه دستگاه قضایی هستیم که ببینیم در برابر جرم و جنایت صورت گرفته چه می‌کنند.»

همچنین آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی یکی دیگر از مراجع تقلید طی بیاناتی فرمودند: «آن‌چه که پیش آمده و می‌آید نتیجه‌ی قصورهای گذشته است. این‌طور نیست که یک‌دفعه و یک‌شبه چنین بی‌مهبا به همه چیز حمله کنند، بلکه وقتی به وظیفه‌ی خود عمل نکرده و نمی‌کنیم، طبیعی است که چنین وضعی پیش بیاید. این وظیفه‌ی هر مسلمانی است که در این شرایط نگران و متأسف باشد و در برابر هجوم به مرزهای دین و عقاید مذهبی خویش در مقام دفاع برآید، همه باید در مقام دفاع از دین و اسلام باشند که اگر چنین شد دیگر کسی این جرأت را در خود نمی‌بیند که بیاید این حرف‌ها را بزند.»

آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی یکی از مراجع معظم تقلید در واکنش به سخنرانی موهن آقاجری بیان فرمودند: «ما متن کامل صحبت‌های انجام شده در خانه‌ی معلم همدان را مشاهده و مطالعه نموده‌ایم و نظر و اظهار خود را به مقامات مسؤول از جمله رییس مجلس و رییس جمهوری داده و لذا دیگر کار را تمام شده می‌دانیم و جای نگرانی نیست، مگر این‌که جریان چیز دیگری باشد.»

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی یکی دیگر از مراجع معظم تقلید نیز در این راستا فرمودند: «نمی‌دانم چرا گروه‌های سیاسی این افراد هتاک را از خود دور نمی‌کنند؟ روحانیت شیعه، حوزه‌های علمیه و دولتمردانی که از حوزه‌ها برخاسته‌اند، همیشه مانع مهمی بر سر راه جهان‌خواران بوده و هستند. هجوم بی‌منطق و وحشیانه‌ای که همواره بر ضد روحانیت و حوزه‌های علمیه آغاز شده است، هماهنگی کامل با اخباری دارند که از غرب می‌رسد و هدف اصلی آن است که با مغلطه و سفسطه روحانیت را از مردم جدا کنند تا به آسانی به اهداف شوم خود برسند و بر ایران اسلامی مسلط شوند. می‌گویند که چرا مردم باید در احکام دینی تقلید کنند، تقلید کار... است، گفتن این سخن آن هم در دنیای

از مبارزه با مرجعیت تا دفاع از سکولاریسم حوزوی

خنده‌دار نیست؟! دیروز با سمفونی به ابتذال کشیدن تقلید و مرجعیت توسط آقاجری‌ها هم‌آوا بود و امروز برای هدف گرفتن مرجعیت از سوی حوزه سکولار، مرثیه می‌سراید!! حقا که مدرس ماهری!!

مأموریتش چیست که براحتی حاضر است نقاب نفاق بر چهره گیرد و ۱۸۰ درجه تغییر موضع دهد؟! ▶

چهارشنبه: ۱۶ آذر ۱۳۹۴ (۷ دسامبر ۲۰۰۵)

• حبس و بنوشت نویسنده ایرانی.
شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران، فرید مدرسی؛
وب‌نوشت نویسنده روزنامه نگار و عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت را به علت برگزاری تجمع اعتراض‌آمیز نسبت به حکم اعدام سید هاشم آقاجری به هشت ماه حبس تعلیقی محکوم کرد.
[۲۰] ۵

فرید مدرسی
@faridmod

جماعتی با ادعای #حوزه سکولار در جنگی تمام‌عیار، مرجعیت را هدف گرفته. مرجعیت می‌گوید استقلال حوزه؛ آنان می‌گویند این یعنی حوزه سکولار، تا نهاد دین را در سیاست و جامعه بکشند. حتی گفته بودند: "سرنگونی نظام آخوندی!"
این تاکتیک است! هدفشان #حوزه سکولار است تا قدرت را کامل ببلعند.



شماره دهم

شهریور ۱۳۹۸

گزارش

به بهانه پژواک توئیت فریدمدرسی

تابناک تحت تأثیر توئییت مدرسی نوشت:

«[درباره] اینکه در قم چرا کسی داد می‌زند تا یک منصوب رهبری (رئیس دفتر تبلیغات اسلامی) سخنانش را قطع کند تا منصوب دیگر ایشان، رئیس قوه قضائیه [سخنرانی کند]، می‌توان اینگونه تحلیل کرد که برخی در کشور، مشروعیت منصوبان رهبری انقلاب را صرفاً برای دوستانشان قبول دارند و مشروعیت انتصاب‌های دیگر را با چنین رفتاری زیر سوال می‌برند. این رویکرد ادامه همان دوقطبی‌سازی‌ها در قم بین مرجعیت و نظام و حالا بین منصوبان رهبری است.»

گرچه رهبری بارها با برهم‌زدن جلسات مخالفت فرموده‌اند؛ اما اساساً در اینجا سخن از آن جلسه نیست؛ مسئله مهم‌تری در نظر است که بیان خواهد شد:

نمی‌توان از فرید مدرسی پذیرفت که با دو قطبی‌سازی مخالف است؛ چون وی مکرر برای دو قطبی‌سازی‌های مختلف تلاش کرده است.

اما مسئله و هدف واقعی چیست؟

نمی‌خواهیم نیت خوانی کنیم؛ اما می‌خواهیم بگوییم که باید هوشیار بود. همانطور که رهبری فرمودند حوزه باید انقلابی بماند، معنایش این است که حوزه امروز انقلابی است و باید مراقب انقلابی ماندنش بود. انقلابی ماندن را نیز نباید به مباحث حقیر جناحی تنزل داد؛ بلکه به این معناست که حوزه باید به مبانی انقلاب اسلامی که برخاسته از مبانی اسلام است معتقد باشد، به آن گرایش داشته باشد و بر اساس آن رفتار کند.

دشمنان اسلام و انقلاب تلاش می‌کنند حوزه را از انقلابی بودن و در حقیقت اسلامی بودن خارج کنند تا به مطامع پلید خود برسند.

درون حوزه نیز متحجرینی وجود دارند که همچنان دین را از سیاست جدا می‌دانند گرچه دشمن نیستند اما در پازل دشمن حرکت می‌کنند. همچنین روشنفکرانی وجود دارند که آنها هم قائل به دین حداقلی و مخالف حضور دین در حکومت هستند آنها هم در پازل دشمن حرکت می‌کنند. این سه عنصر، خواسته یا ناخواسته سدی در برابر جریان انقلابی حوزه علمیه هستند. براین اساس، جریان انقلابی باید با تحرکات غیر انقلابی و احیاناً ضد انقلابی درون حوزه که فریب‌خورده دشمن هستند مقابله کند؛ البته با تدبیر، هوشمندی و بارعایت اخلاق و منش اسلامی.

این سخن که جامعه را دوقطبی نکند وقتی از کلام مصلحان جامعه بیان می‌شود حرف درستی است و در برابر دوقطبی‌سازی‌های کاذب دشمن است. اما وقتی دشمن یا فریب‌خورده‌ای او و یا کسانی که در پازل دشمن حرکت می‌کنند و سخن از مخالفت با دو قطبی‌سازی مطرح می‌کنند، مقصودشان یا نتیجه کارشان این است که در حوزه، سخنی از «انقلابی» و «غیر انقلابی» نگویید؛ در حقیقت یعنی اجازه دهید جریان غیر انقلابی در حوزه باشد، رشد کند، حتی حاکم شود تا حوزه را از انقلابی بودن خارج کند. در واقع هیاهوی «دو قطبی‌سازی نکند» این افراد برای این است.

لذا حزب‌الله نباید از این هیاهو بترسد و باید از جریان انقلابی در حوزه علمیه دفاع کند؛ البته هوشمندانه و با تدبیر درست.

مجدداً تأکید می‌شود سخن از آن جلسه دفتر تبلیغات و نیز افراد آن نیست؛ همچنین بحث در مورد شخص فرید مدرسی هم نیست؛ چرا که او یک گمارده کوچک در پازل تحرکات ضد حوزه انقلابی است. بحث بر سر یک هیاهوی باطل است. ▶



جنگ‌های جبهه حق علیه باطل پیامدهای ناخواسته یا آثار وضعیه به دنبال ندارد؟ کینه‌ها و عقده‌های به جا مانده از بدر و حنین در کجا سر باز خواهد کرد؟ خشونت، فرزند خشونت و درخت خشونت میوه‌هایی جز خشونت به بار نمی‌آورد. هیچ‌کس حق ندارد به صرف اینکه خود را حق و دیگران را باطل می‌داند، دست به خشونت بزند و در صدد نابودی مخالفان خود از طریق حذف فیزیکی برآید. همچنین درنشریه‌راه نوبه صاحب امتیازی گنجی نوشته شد: «پیامبر واثمه فقط در برهه‌ای از زمان، صلاحیت مرجعیت را داشته‌اند»

گنجی حتی پا را فراتر گذاشت و در یادداشتی در روزنامه صبح امروز انتظار فرج را سرایی بیش ندانسته و مدعی شد: «یکی از خطراتی که آینده جنبش آزادی خواهی ایران را به طور جدی تهدید می‌کند اسطوره‌سازی و قهرمان‌پروری است. اسطوره‌سازی همیشه مردم را در انتظار سراب ابرمردنجات دهنده باقی نگاه می‌دارد.» ▶



که «جامعه مدنی ولایت مطلقه را نمی‌خواهد. حتی ولایت را نمی‌خواهد، چه رسد به مطلقه» گفت؛ ما احتیاج به رهبر نداریم، مگر مردم یتیم‌اند که پدر بخواهند. فاشیست‌ها می‌گویند باید مطیع رهبر بود. ما از ولایت که حرف می‌زنیم مثل این است که بگوییم در زمین خدایان متعددی داشته باشیم... با رهبریت می‌خواهند کل جوامع بشری را از بین ببرند. اینها رهبر اسلام را به همه تحمیل می‌کنند. تحمیل جبارانه خدمتگزاری قدرت جباری که در رأس قدرت قرار گرفته است و همه چیز در پیشوا یعنی هیتلر ذوب می‌شود.

اما مهم‌ترین نقطه تاریک گنجی در آن زمان، جسارت وی در شکستن تمام خطوط قرمز حتی مقدسات اسلامی است. وی در مقاله ای در روزنامه صبح امروز قیام حضرت امام حسین (ع) را خشونت نامید و حتی مشروعیت این قیام را زیر سؤال برد و نوشت:

پیامبر (ص) در بدر و حنین و... شمشیر زد اما آیا

حمایت فرید مدرسی از اکبر گنجی

بگذارند. اما آنان بی‌آبروتر و بی‌شرم‌تر از این هستند. آنان پس از آزادی اکبری می‌آیند تا فقط در کنار او بایستند و برای پوستره‌های انتخاباتی خود عکس یادگاری بگیرند.»

وی همچنین در یادداشتی که در روز بعد، تحت عنوان «برنامه دیروز تحکیم: دیدن گنجی و خوردن چلوکباب بناب» نوشت، گفت:

«دیروز حدود ساعت ۲ بعدازظهر که همه مهمانان گنجی به جز چند نفر رفته بودند به اتفاق ۴ نفر از اعضای شورای مرکزی تحکیم یعنی محمد هاشمی، سعید حبیبی، مجتبی بیات و علی نیکونستی به دیدن اکبر گنجی رفتم. او فقط امید بود؛ نه گوستی بر تن داشت و نه همچون سابق به نظر می‌رسید؛ البته از نظر فیزیکی. شاید اگر در دو کلمه او را بخواهم خلاصه کنم: امید و ریش. حدود ۱۰ دقیقه نشستیم و او را دیدیم. برخی افرادی هم آمده بودند که در گذشته نیامده بودند. بگذریم. تا جلایی پور آمد ما با اکبر خداحافظی کردیم. از آن جا هم رفتم

فریدمدرسی واکبر گنجی

▶ یکی از افراد ضد انقلاب یا بهتر بگوییم ضد اسلامی که فرید مدرسی به دفاع و حمایت از وی برخاست، «اکبر گنجی» است.

معرفی اجمالی اکبر گنجی:

زندگی اکبر گنجی زندگی ضد و نقیض و پرفراز و نشیبی است. مواضع گنجی پس از آزادی از زندان رادیکال‌تر شده و به انکار ضروریات دین نیز منتهی می‌شود.

گرچه اکبر گنجی با انتقادهایی از جانب فرید مدرسی نیز مواجه شد (نظیر مقاله دیوار نویسی علیه مرجعیت)، اما با این وجود، گنجی در دوران بازداشت خود و روزهای بعد از آزادی‌اش از حمایت مدرسی برخوردار بود. این در حالی است که سخنان گنجی در آن ایام و به ویژه پس از دوم خرداد هم از باورهای ساختارشکنانه سرشار بود و او به شکلی جسورانه و بدون هیچی ملاحظه‌ای اقدام به سخنرانی و نوشتن مقالات تند بر علیه اندیشه‌های ناب اسلامی و مقدسات و نیز شخصیت‌های نظام می‌کرد.

گنجی در سناریویی با عنوان تشدید تضادها از آغازین روزهای پس از دوم خرداد شروع به حملات تخریبی و تخطئه مقامات نظام و گروه‌های ارزشی نمود. برای مثال او در تابستان ۱۳۷۶ در اجتماعي که از سوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی شیراز ترتیب یافته بود؛ در اظهاراتی موهن، با بیان این

▶ با وجود همه سوابق تاریک و ضد اسلامی اکبر گنجی، فرید مدرسی که در آن روزها با عضویت در دفتر تحکیم وحدت به عنصری رادیکال تبدیل شد، به دفاع از گنجی پرداخت. وی در مطلبی که در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۸۴ در وبلاگ شخصی خود منتشر کرد، نوشت:

«درباره گنجی می‌خواهم بنویسم که قرار است ۲۶ اسفند یعنی فقط ۵ روز دیگر آزاد شود. شرم می‌کنم. از قلم خجالت می‌کشم. اما بی‌شرم‌ترین قلم، قلم قرمز است که هر بار بر روی اخبار او کشیده می‌شد. نمی‌دانم وقتی او از زندان رهایی پیدا می‌کند در برابر او چگونه بایستیم و سخن بگوییم؟! او بزرگ است؛ اما ما چی؟! ما چه کردیم؟! به جز اینکه به خانه او رفتیم و از او سخن گفتیم. اما آنان چطور که در آستانه انتخابات از دموکراسی و حقوق بشر گفتند و برخی دیگر در جهت مقابله با فاشیسم از برخی حمایت کردند. اما حاضر نشدند حتی به خانه او بروند. رخسار خود را چگونه می‌خواهند در برابر مردی از آتش و غرور به نمایش

نقاب بر چهره

▶ شکست‌های پی در پی تشکل‌های غربگرا و عدم نیل به مطلوبشان باعث بازنگری این طیف در جنس حرکت خویش شد. تشکل‌هایی همچون دفتر تحکیم وحدت و برخی سردمداران و همراهان این طیف، اقدامات رادیکالی، تحصن، طعن علنی و هجو ولایت فقیه و حتی خشونت را بی‌فایده می‌دیدند؛ چرا که همیشه برخلاف میلشان، مردم را مقابل خود و نه همراه خویش یافتند. براین اساس رو به تغییر تاکتیک آوردند.

با نزدیک شدن به انتخابات ۸۸، این تغییر رویکرد نیز ضروری‌تر و فوری‌تر می‌نمود؛ اما چه چیزی راه حل این مشکل بود؟! قطعاً هرچه بود از جنس دست‌کشی از اقدامات آهنین و رو آوردن به حرکت‌های مخملین بود؛ اما نه هر حرکتی. مهم تأثیرپذیری مردم بود. مردم هم که تابحال تابع روحانیت و حوزه‌های علمیه بوده‌اند! بلکه مقصد روشن شد. دیگر رویارویی مستقیم با دستورات و منویات مراجع کارگشا نبود.

سال ۱۳۸۷ محمد قوچانی، روزنامه‌نگار و صاحب‌امتیاز

و قدیمی‌ترین نهاد ذی‌نفوذ در ایران مرتبط شوند. قبول درخواست دیدار آنان از سوی فقیهان عالی‌رتبه همواره نشانی بر تأیید به تصویر کشیده می‌شود. این آمد و شده‌ها فقط خاص دوران کنونی نیست، بلکه در رژیم‌های گذشته هم تکرار و در رسانه‌ها منتشر و تحلیل می‌شد. داستان سفر سیاسیون به قم، داستان دنباله‌داری است که گاهی حتی غیرمذهبی‌ها را هم در خود جای می‌دهد و آنان نیز در برابر علمای مذهبی با کمال ادب می‌ایستند و ادای احترام می‌کنند. کافی است تا سری به عقب بچرخانیم تا ببینیم دست‌بوسی حاکمان پهلوی، قاجاریه و صفویه را در محضر فقهای بزرگ شیعی،

کسی که تا دیروز مدافع سرسخت آقاجری بود -که گفته بود مقلدین مراجع میمون هستند و حتی طعم تلخ زندان را چشید و از دفاع از وی دست برنداشت- امروز با اعتراف به قدرت مرجعیت و از دری دیگر برای رسیدن به اهداف غربگرایان، ورود کرده است.

اما این آغاز راه است... ▶



روایت

نمونه‌ای از بی‌ادبی‌های فرید مدرسی

فرید مدرسی، استاد میرباقری را چگونه به مخاطب معرفی می‌کند؟

آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری در نوشته‌های فرید مدرسی به عنوان شخصیتی رادیکال، ایدیولوژیک و حامی دولت دوم احمدی‌نژاد معرفی شده است.

مدرسی در گرماگرم انتخابات خبرگان رهبری آیت‌الله میرباقری را کاندیدای اصولگرایان رادیکال نامید!! وی در همان ایام در خبری نوشت که منصور ارضی در منزل آیت‌الله میرباقری (رئیس فرهنگستان علوم اسلامی و کاندیدای مجلس خبرگان از استان البرز گفته است که سه هزار مداح را در تهران ساماندهی کرده‌ایم تا در انتخابات تلخ‌کامی برجام را جبران کنند.

وی کمی بعدتر با شیطننت و بدون تمییز مردم‌سالاری دینی و دموکراسی لیبرال، مطلبی مغالطه‌وار تحت عنوان «بر اساس مشروعیت مردمی، حق حاکمیت با یزید بود» را از استاد میرباقری منتشر کرد و تصویر پوست‌انتخابانی او را نیز به مطلب ضمیمه کرد، اگرچه بخت با فرید مدرسی یار نبود و میرباقری توانست رأی نخست استان البرز را کسب کند.

در فروردین ۱۳۹۷ مدرسی در یادداشتی خبر داد که سید محمد مهدی میرباقری امام جمعه تهران خواهد شد، خبری که البته محقق نشد و جعلی بود. وی در آن یادداشت آیت‌الله میرباقری را رئیس آکادمی علوم اسلامی در قم معرفی می‌کند که این آکادمی را از منبرالدین به ارث برده و همراه حواریونش، آن را سرپا نگاه داشته است و در آن جا به دنبال آفرینش تمامی علوم بر اساس وکد اسلامی است.

وی سپس در ادامه این یادداشت، اهمیت آکادمی علوم اسلامی را در تغییر جهت هواداران احمدی‌نژاد از آیت‌الله مصباح یزدی به آیت‌الله میرباقری دانسته و سرآمدان این آکادمی را مغز تئوریک دولت دوم احمدی‌نژاد لقب می‌دهد. مدرسی می‌کوشد، آیت‌الله میرباقری را عنصری سیاسی در متن اردوکنشی‌های انتخاباتی نشان دهد، می‌گوید: در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ به میتینگ تشکیلاتی جامعه مدرسین دعوت شد تا از "ابراهیم رئیسی" میزبانی کند و این بار نه بر فراز منبر، بلکه بر کرسی تبلیغات انتخاباتی در جمع اعضای جامعه مدرسین؛ بدون عضویت در این تشکیلات از رئیسی بگوید و خوبی‌هایش. اینگونه بود که رئیسی کاندیدای اصلح شد و میرباقری از مدافعان پرو پا قرص‌اش اما انتخابات نتیجه دیگری یافت و نشد آنچه میرباقری و آکادمی علوم اسلامی می‌خواستند،»▶

شاید اوج کار فرید مدرسی در همکاری با محمد قوچانی را بتوان در هفته‌نامه «شهروند امروز» دانست؛ اما او پیش‌تر و به همراه محمد قوچانی در روزنامه‌های «شرق» و «هم‌میهن»، هراز گاهی درباره حوزه علمیه قلم زده است. مدرسی در دهه اخیر به شکل فعال‌تری در حوزه علمیه قم، حاضر شده است. با آن‌که از هرگونه تحصیلات حوزوی کاملاً بی‌بهره است؛ اما در ایام اخیر دائماً بر **دوگانه** حوزه قم و نجف تأکید کرده است.

یکی از شگردهای طیف وی (غریب‌گرایان) در فضای سیاسی، ایجاد و القای دوقطبی‌های کاذب است؛ لذا فرید مدرسی نیز سعی کرد از همان شگرد استفاده کند تا بتواند حوزه علمیه را به صفوف مختلف تقسیم کند و هریک را در مقابل هم جلوه دهد تا بتواند با دمیدن بیشتر در دوقطبی‌ها، آتش اختلافات را دامن‌دار کند.

دوگانه دیگر وی، تقویت نشست دوره‌ای اساتید در برابر جامعه مدرسین بود. وی حتی

بالحنی بی‌ادبانه برای خبرگزاری رسمی حوزه علمیه نیز تعیین تکلیف می‌کرد. ناگفته نماند در ابتدا بین برخی از فحول نشست اساتید رفت و آمدهایی پیدا کرد؛ اما کم‌کم بخاطر فقدان سواد حوزوی وی و همچنین سابقه بسیار تیره‌ای که داشت -و موجب هتک آبروی نشست اساتید می‌شد- وی را طرد کردند و حداقل درعلن به حضور نپذیرفتند.

دوقطبی دیگر وی، بزرگ کردن انتقاد آیت‌الله یزدی به آیت‌الله شبیری زنجانی بود که با این کار سعی کرد جامعه مدرسین و شخص آیت‌الله یزدی را تا حد ممکن، تضعیف کند. اما آیت‌الله شبیری زنجانی با بیان اینکه آیت‌الله یزدی را فردی با تقوا می‌داند، نشان داد نامه خطاب به خود را صرف یک انتقاد می‌داند، نه بیشتر. همچنین بیداری طلاب بصیر انقلابی باعث شد باری دیگر پروژه فرید مدرسی شکست بخورد.

فرید مدرسی که در دهه اخیر آرام‌آرام با تملق برخی -که نفوذ در بیوت مختلف داشتند و از

سابقه وی بی‌خبر بودند- توانست نفوذ خوبی در بیوت مختلف بدست بیاورد و اخبار مگو یا محرمانه را کسب و منتشر کند و به واسطه همین انتشار خبرهای خاص، نسبت به خود اعتمادسازی نسبی ایجاد کرد. اما آیا همه این‌ها برای فاز دوم (روز مبادا) بود؟! انتشار اخبار جعلی در بحبوحه حوادث و فتنه‌ها؟! دیری نگذشت که فاز دوم کلید خورد؛ چراکه با تملق‌ها و اعتمادسازی‌هایش، کسی گمان نمی‌کرد، حرف‌های جعلی هم‌ممکن است بزنند.

از جمله دروغ‌های جعلی وی، دروغی بود که به آیت‌الله محسن اراکی نسبت داد تا پازل تخریب آیت الله یزدی تکمیل گردد؛ متن توییت وی؛

«آقای محسن اراکی به من پیغام داد که من هم مخالف این نامه‌نگاری آقای محمد یزدی به آیت الله شبیری زنجانی هستم و معتقد به اینگونه روش‌ها نیستم.»

به واسطه اینکه فرید، یک گمارده رسانه‌ای بود خبر به سرعت منتشر شد؛ با اینکه

خبر از سوی شخص آیت‌الله اراکی تکذیب شد، اما متن تکذیبیه به اندازه خبر جعلی دیده نشد!! قرار هم نبود دیده شود؛ لذا از فیلترهای رسانه‌ای غریب‌گرایان عبور نکرد.

جالب اینکه فرید مدرسی برای فرار رو به جلو و متهم‌نشدن، به طرف‌های مقابل، تهمت می‌زند! خود که خالق دو قطبی‌های کاذب و گونه‌گون است؛ دیگران را متهم به دوقطبی‌سازی می‌کند. در توییت‌ها و یادداشت‌های خود، بزرگان انقلابی را "آقا" خطاب می‌کند و آمرانه و موعظه‌گون با ایشان حرف می‌زند که هرکه نداند گویی عالم دهر یا آیت‌الله عظمایی بر مسند نصیحت نشسته است؛ غافل از آنکه یک محکوم سابقه‌دار و گمارده در حوزه علمیه، بیش نیست. شاهد دیگر اینکه در یادداشت اخیر خود درباره وقایع دفتر تبلیغات، دقیقاً آنچه خود به عنوان شگرد استفاده می‌کند را به طلاب انقلابی نسبت داده است!! غافل از اینکه کافر همه را کیش خود پندارد!▶

ماموریت فرید مدرسی در حوزه علمیه

ماموریت اصلی فرید مدرسی را می‌توان در یک چیز خلاصه کرد: «بی‌رنگ‌کردن انقلابی‌گری در حوزه علمیه و تبدیل آن به حوزه‌ای سکولار و منفعل». در یادداشت‌های پیشین گذشت که غریب‌گرایان پس از ناکامی‌های گسترده در عرصه سیاست، ریشه همه آن را در حوزه علمیه و بیداری علمای انقلابی دیدند تا جایی که قشر خاکستری جامعه و حتی آن‌هایی که عرق مذهبی آنچنانی ندارند باز هم هنگام ورود علما به مسائل سیاسی، تن به تبعیت از ایشان می‌دهند و روشن‌بینی انقلابی را به روشنفکری خام غرب‌زده ترجیح می‌دهند. براین اساس غریب‌گرایان مجبور به کوچ ماموریتی به سوی حوزه علمیه شدند.

اما پازل ماموریت فوق، از تکه‌های مختلفی تشکیل شده است:

۱) اعتمادسازی و نفوذ حداکثری: اولین گام برای همه پروژه‌های وی جلب اعتماد بیوت مختلف است؛ وگرنه هیچ پروژه‌ای محقق نخواهد شد. برای همین گام‌های ابتدایی را از سال ۱۳۸۴ آغاز کرد. نفوذ در بیوت مختلف با جلب اعتماد یک نفر که مورد اعتماد بیوت مختلف بود شروع شد.

۲) مرجعیت تراشی: تجربه‌های تلخ و شکست‌های مختلف غریب‌گرایان نشان داده بود اگر در فصول مهم سیاسی از حمایت یک یا چند مرجع تقلید بهره‌مند باشند، دیگر راه برای مقاصدشان هموار خواهد شد؛ لذا پروژه مرجعیت‌تراشی کلید خورد. بهترین گزینه برای این امر، کسی است که بهره‌ای از دگراندیشی داشته باشد تا بتواند جذب حداکثری قشرهای خاکستری را رقم بزند؛ کسی که حتی نسبت به مرتدین احساس پدري کند؛ برای بهایبان، حقوق شهروندی قائل شود و از تمایلات روشنفکری نیز بی‌بهره نباشد.

۳) تکثر مرجعیت: گرچه با تمام توان پروژه مرجعیت‌تراشی دنبال می‌شد؛ اما این کافی نبود. معرفی یک مرجع دگراندیش در مقابل مراجع عظام، تاثیر و خاصیت لازم را ایفا نمی‌کرد؛ تنها زمانی این خاصیت می‌توانست خود را نشان دهد که بلایی که سر حوزه نجف آمد بر سر حوزه علمیه قم هم بیاید؛ چرا که به هر میزان تعداد مراجع، متکثر و بسیار باشند، قدرت نفوذ ایشان نیز کاهش می‌یابد. اینجاست که قدرت آن مرجع دگراندیش و فعال شدن قشرهای خاکستری

به علاوه شانتاژهای گسترده رسانه‌ای می‌تواند آرزوهای دیرین را محقق کند. بر این اساس با وجود اینکه مراجع عظام در قید حیات هستند صفی از فاضل‌های برجسته حوزوی باید احساس تکلیف برای ورود به مرجعیت کنند؛ که این هم با اصرار میردیان عملی است.

۴) تخریب بزرگان: توییت‌ها و یادداشت‌های وی سرشار از اهانت و تخریب بزرگان است از آیات یزدی، مصباح یزدی، کعبی، میرباقری و هرکسی را که احساس کند مانع ماموریت و پروژه وی است را هتاکانه و بی‌رحمانه مورد تخریب قرار می‌دهد. بدون اینکه حد خود را بشناسد و کارنامه سیاه خود را مایه عبرت بداند.

۵) اختلاف افکنی در میان بزرگان: پررنگ‌کردن و دامن زدن به برخی مباحثی که میان بزرگان حوزه علمیه است برای اینکه بتواند بزرگان و طلاب انقلابی را متفرق و چند دسته کند. یادداشت‌هایی که درباره آیت‌الله مصباح یزدی و حجت‌الاسلام میرباقری می‌نگاشت، نمونه‌ای از این قضیه است.

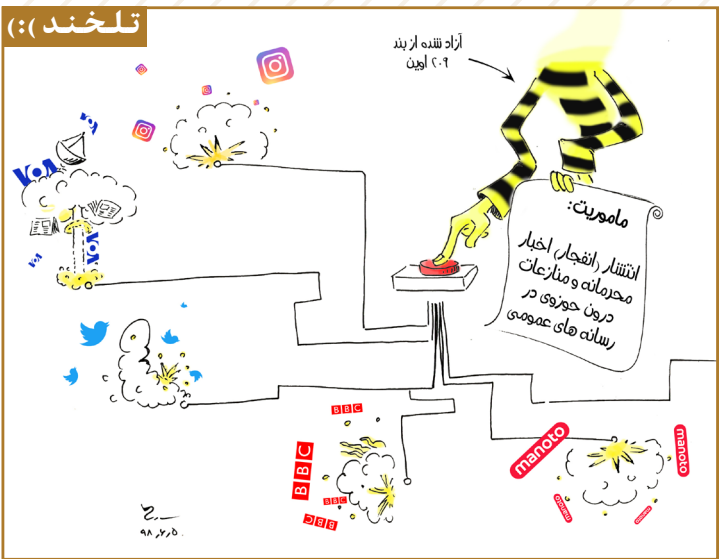
۶) ضریب رسانه‌ای به اخبار و وقایع درون حوزوی:

مسائلی که تا همین چندی پیش صرفاً یک نزاع یا انتقاد درون حوزوی به حساب می‌آمد، توسط وی آنچنان در سطح رسانه‌های بزرگ کشور منعکس می‌شود که تبدیل به یک بحران بزرگ می‌شود. بر همین اساس ذهنیت مردم درباره حوزه علمیه و بزرگان تخریب می‌شود. مسائلی که با گفتگوهای درون حوزوی قابل حل است؛ وقتی تبدیل به یک چالش اجتماعی شود، دیگر به این سادگی حل‌پذیر نیست؛ حتی اگر حل هم بشود؛ ذهنیت خراب‌شده مردم به سرعت اصلاح نخواهد شد.

۷) برهم زدن آرامش حوزه علمیه: وجود یک نفوذی رسانه‌ای که از هر اتفاق کوچک درون حوزوی کوه سیاهی از بحران می‌سازد، باعث می‌شود بسیاری از حوزویان نتوانند مثل گذشته بتوانند از قلم و بیان نقد استفاده کنند.

۸) دوقطبی‌سازی‌های مختلف و کاذب: در یادداشت پیشین نمونه‌های مختلف این پروژه گذشت.

غافل از اینکه علما و طلاب بصیر انقلابی، آتش همه فتنه‌های این ماموریت را خاموش کرده و می‌کنند.▶



تقویت ضریب رسانه‌ای اخبار درون حوزوی در سطح ملی و فراملی

در پرونده‌ای که گذشت به ابعاد شخصیتی و ماموریتی فرید مدرسی از-گذشته تا کنون- به وضوح اشاره شد.

وی البته مهره بسیار کوچک و ناچیزی از یک پازل از پیش طراحی‌شده برای مقابله با حوزه انقلابی و علمای بصیر و در صحنه است.

شاید در گذشته نه چندان دور، قیل و قال‌های حوزوی، پا فراتر از حوزه علمیه نمی‌گذاشت؛ اما وی و بالا دستانش مأمورند، تا می‌توانند ضریب حواشی درون حوزوی